

June 24, 2026

The Honorable Donald J. Trump
President of the United States
Cc: Vice President J.D. Vance
Secretary of State Marco Rubio
Members of the Senate Foreign Relations Committee

****Subject: The Art of War and the Iranian Question****

"The supreme art of war is to subdue the enemy without fighting."

— Sun Tzu

"If you know the enemy and know yourself, you need not fear the result of a hundred battles."

— Sun Tzu

Mr. President,

Since the rise of the modern Iranian state in the sixteenth century, Iran has played a significant role in the balance of power between East and West. Throughout centuries of conflict and empire, the Iranian nation preserved its identity, resisted foreign domination, and often stood as a barrier against forces that threatened both its independence and regional stability.

In the modern era, Iran lived under the influence of great powers, first Britain and Russia, and later became deeply entangled in the strategic interests of the United States and the global military-industrial establishment.

Contrary to the rhetoric that has dominated headlines since 1979, the relationship between Iran and the West has been far more complex than a simple story of friendship before the Revolution and hostility afterward. While political leaders exchanged hostile words, the continuing crises, confrontations, and regional conflicts often served the interests of those who benefited from perpetual tension.

Before 1979, the Shah engaged in a costly military buildup, purchasing enormous quantities of weapons in a regional rivalry with Saddam Hussein. Yet military strength without a clear national strategy ultimately proved unsustainable. History demonstrates that nations cannot secure their future merely by buying weapons; they must understand the purpose for which power is acquired.

The events of the past forty-seven years are well known and available to anyone willing to study the historical record. Yet for decades, many policymakers and commentators have relied on the same assumptions and narratives to advocate confrontation, sanctions, and war as the only available options.

Today, President Trump has an opportunity to demonstrate what Sun Tzu called **The Art of War**:

"The supreme art of war is to subdue the enemy without fighting."

For nearly half a century, war advocates have repeatedly pushed the United States toward military confrontation in the Middle East. Yet lasting peace cannot be achieved through endless conflict. Success requires understanding both the adversary and ourselves.

As Secretary of State Marco Rubio recently stated during Senate testimony, the Executive Branch is not obligated to publicly reveal every aspect of its strategy. That principle reflects another lesson from Sun Tzu: effective strategy requires patience, discipline, and an understanding that not every plan can be debated before it is executed.

To contribute to that understanding, I have compiled my two books and many letters into a single volume entitled:

****Mr. Ayatollah, Tear Down This Constitution****

The purpose of this book is simple: to help readers understand the true source of the conflict—the constitutional structure that has institutionalized hostility toward the West and prevented Iran from becoming a normal nation among nations.

I respectfully encourage critics and supporters alike to study the roots of the problem, understand the nature of the challenge, and join the effort to pursue a peaceful constitutional solution rather than another cycle of war and crisis.

As Sun Tzu taught us:

"If you know the enemy and know yourself, you need not fear the result of a hundred battles."

Respectfully,

Sohrab ChamanAra**

Author of **Mr. Ayatollah, Tear Down This Constitution**

ترجمه فارسی

بیست و چهارم جون 2026
جناب آقای دونالد جی. ترامپ
رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا
رونوشت:
معاون رئیس‌جمهور جی.دی. ونس
وزیر امور خارجه مارکو روبيو
اعضای کمیته روابط خارجی سنای آمریکا

****موضوع: هنر جنگ و مسئله ایران****

«برترین هنر جنگ، تسلیم کردن دشمن بدون جنگیدن است»

سون تزو -

«اگر دشمن را بشناسی و خود را بشناسی، از نتیجه صد نبرد هراسی نخواهی داشت»

سون تزو -

جناب آقای رئیس‌جمهور،

از زمان ظهور دوباره دولت نوین ایران در قرن شانزدهم میلادی، ایران نقش مهمی در حفظ توازن قدرت میان شرق و غرب ایفا کرده است. در طول قرن‌ها جنگ و رقابت امپراتوری‌ها، ملت ایران هویت خود را حفظ کرد، در برابر سلطه بیگانگان ایستاد و بارها سدی در برابر نیروهایی شد که استقلال ایران و ثبات منطقه را تهدید می‌کردند.

در دوران معاصر، ایران ابتدا تحت نفوذ قدرت‌های بزرگی چون بریتانیا و روسیه قرار گرفت و سپس به شکلی عمیق در منافع راهبردی ایالات متحده و مجموعه صنایع نظامی جهان درگیر شد.

برخلاف روایت‌های رایج پس از سال ۱۳۵۷، رابطه ایران و غرب بسیار پیچیده‌تر از دوستی پیش از انقلاب و دشمنی پس از آن بوده است. در حالی که رهبران سیاسی شعارهای خصمانه سر می‌دادند، بحران‌ها، تنش‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای اغلب به سود کسانی تمام می‌شد که از تداوم این تنش‌ها منفعت می‌بردند.

پیش از انقلاب، شاه در رقابت با صدام حسین به خرید گسترده تسلیحات نظامی روی آورد. اما قدرت نظامی بدون راهبرد ملی روشن، در نهایت پایدار نماند. تاریخ نشان داده است که ملت‌ها تنها با خرید سلاح نمی‌توانند آینده خود را تضمین کنند؛ بلکه باید بدانند قدرت را برای چه هدفی به دست می‌آورند.

رویدادهای چهل و هفت سال گذشته برای هر کسی که بخواهد تاریخ را مطالعه کند، به‌خوبی شناخته شده است. با این حال، بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران طی دهه‌ها بر همان فرضیات و روایت‌های قدیمی تکیه کرده‌اند تا تقابل، تحریم و جنگ را تنها گزینه‌های ممکن جلوه دهند.

امروز، رئیس‌جمهور ترامپ این فرصت را دارد که آنچه سون تزو «هنر جنگ» نامیده است، به نمایش بگذارد:

«برترین هنر جنگ، تسلیم کردن دشمن بدون جنگیدن است»

نزدیک به نیم قرن است که طرفداران جنگ، ایالات متحده را به سوی درگیری‌های نظامی در خاورمیانه سوق داده‌اند. اما صلح پایدار از دل جنگ‌های بی‌پایان به دست نمی‌آید. موفقیت نیازمند شناخت دشمن و شناخت خود است.

همان‌گونه که وزیر امور خارجه، آقای مارکو روبیو، در جلسه سنا اظهار داشت، قوه مجریه الزامی ندارد که تمام جزئیات راهبرد خود را به صورت عمومی آشکار کند. این اصل نیز با یکی دیگر از آموزه‌های سون تزو همخوانی دارد؛ اینکه راهبرد مؤثر نیازمند صبر، انضباط و درک این واقعیت است که هر برنامه‌ای نباید پیش از اجرا در معرض بحث عمومی قرار گیرد.

برای کمک به این شناخت، من دو کتاب و مجموعه‌ای از نامه‌های خود را در قالب یک کتاب گردآوری کرده‌ام با عنوان:

****«آقای آیت‌الله، این قانون اساسی را فرو بریز»****

هدف این کتاب ساده است: کمک به خوانندگان برای شناخت ریشه اصلی بحران؛ یعنی ساختار قانون اساسی‌ای که خصومت با غرب را نهادینه کرده و مانع تبدیل ایران به کشوری عادی در میان ملت‌های جهان شده است.

با احترام، از منتقدان و حامیان می‌خواهم که ریشه‌های مسئله را مطالعه کنند، ماهیت چالش را بشناسند و به جای تکرار چرخه جنگ و بحران، به راهحل مسالمت‌آمیز مبتنی بر اصلاح قانون اساسی بپیوندند.

همان‌گونه که سون تزو می‌گوید:

«اگر دشمن را بشناسی و خود را بشناسی، از نتیجه صد نبرد هراسی نخواهی داشت»

با احترام،

سهراب چمن‌آرا

نویسنده کتاب: آقای آیت‌الله، این قانون اساسی را فرو بریز